

بررسی نقش جامعه‌شناختی زنان بر فرهنگ زیست محیطی شهری،

مورد مطالعه: زنان شهر خرم‌آباد

*نورالدین اله دادی^۱، سعید گودرزی^۲

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. nalahdadi@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: -/-

تاریخ دریافت: -/-

Studying the Sociological Role of Women on Urban Environmental Culture, Case Study: Women in Khorramabad City

*Nouredin Alahdadi¹, Saeid Goudarzi²

1. Assistant Professor, Department of sociology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

nalahdadi@pnu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of sociology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

چکیده

فرهنگ زیست محیطی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های زیست محیطی جوامع مدرن مطرح گردیده و طرح این مفهوم در بسیاری از رویکردهای زیست محیطی حاکی از اهمیت نقش آن در حفظ محیط زیست است. هدف پژوهش حاضر تحلیل جامعه‌شناختی تعیین‌کنندگان مؤثر بر فرهنگ زیست محیطی شهری زنان شهر خرم‌آباد می‌باشد. در این پژوهش، جهت جمع‌آوری اطلاعات از روش کمی، تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شد. جامعه آماری تحقیق شامل زنان ۱۵-۶۴ سال ساکن در مناطق شهر خرم‌آباد است که برابر با ۱۳۴۲۵۶ نفر و از این تعداد ۳۸۴ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. ضریب بتا استاندارد شده نشان‌دهنده تأثیرات خالص متغیرها بر فرهنگ زیست محیطی شهری است. مقدار تی و سطح معنی‌داری آن نیز نشان‌دهنده اهمیت نسبی حضور هر متغیر در مدل می‌باشد. براین اساس می‌توان گفت متغیرهای که وارد مدل شده‌اند نقش آماری معنی‌داری در تبیین فرهنگ زیست محیطی شهری دارند و توانسته‌اند ۴۱ درصد از فرهنگ زیست محیطی شهری به عنوان متغیر وابسته تحقیق را تبیین و پیش‌بینی کنند. با اتکا به داده‌های پژوهش می‌توان گفت فرهنگ زیست محیطی شهری که منبع کنش اجتماعی است، در ارتباط با تعیین‌کنندگان اجتماعی و فرهنگی سلامت اجتماعی، مصرف فرهنگی، اعتماد اجتماعی، سبک زندگی سلامت محور، مسئولیت-پذیری اجتماعی و مصرف رسانه‌ای تعیین می‌یابد و از طرف دیگر، بیشتر مسائل زیست محیطی شهری به صورت مستقیم یا غیر مستقیم پیامد فرهنگ زیست محیطی شهری هستند و به صورت کنش یا رفتارهای زیست محیطی نمود پیدا می‌کنند. بر این اساس سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر درک ارتباط مهم و رهگشای فرهنگ زیست محیطی شهری و تعیین‌کنندگان اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن و از آن مهم‌تر هم‌افزایی این دو بسیار ضروریست. در واقع سیاست‌سازی‌های سازه محور اجتماعی و فرهنگی در راستای تقویت و توسعه فرهنگ زیست محیطی شهری می‌تواند بسیاری از مشکلات زیست محیطی را درمان و در مسیر توسعه و بهبودی قرار دهد و منجر به حفاظت از محیط زیست و پایداری سرزمینی برای نسل امروز و نسل‌های آینده شود.

واژگان کلیدی: هنجارمندی، جنسیت، فرهنگی، اجتماعی، خرم‌آباد.

Abstract

Environmental culture is one of the new concepts that has been proposed in environmental studies of modern societies today, and the design of this concept in many environmental approaches indicates the importance of its role in preserving the environment. The aim of the present study is to conduct a sociological analysis of the determinants affecting the urban environmental culture of women in Khorramabad City. In this study, quantitative methods, survey techniques, and questionnaire tools were used to collect information. The statistical population of the study includes women aged 15-64 living in the areas of Khorramabad City, which is equal to 134,256 people, and of this number, 384 people were selected as the sample size using the Cochran formula. The standardized beta coefficient indicates the net effects of variables on urban environmental culture. The t value and its significance level also indicate the relative importance of the presence of each variable in the model. On this basis, it can be said that the variables that have entered the model have a statistically significant role in explaining the urban environmental culture and have been able to explain and predict 41 percent of the urban environmental culture as the dependent variable of the study. Based on the research data, it can be said that urban environmental culture, which is the source of social action, is determined in relation to the social and cultural determinants of social health, cultural consumption, social trust, health-oriented lifestyle, social responsibility and media consumption. On the other hand, most urban environmental issues are directly or indirectly the consequences of urban environmental culture and are manifested in the form of environmental actions or behaviors. Accordingly, policymaking based on understanding the important and guiding relationship between urban environmental culture and the social and cultural determinants affecting it, and more importantly, the synergy of the two, is very necessary. In fact, social and cultural structural policy-making in order to strengthen and develop urban environmental culture can cure many environmental problems and put them on the path of development and improvement, leading to environmental protection and territorial sustainability for today's and future generations.

Keywords: Normativity, Gender, Cultural, Social, Khorramabad.

مقدمه

در قرن حاضر، فرهنگ و کنش‌های زیست محیط انسان، به‌عنوان یکی از مهمترین و تاثیرگذارترین عوامل مؤثر بر محیط زیست، مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان قرار گرفته است. کنش‌ها و رفتارهای زیست محیطی ضمن اینکه بر بیشتر مسائل و تهدیدات زیست محیطی تاثیر می‌گذارند، خود نیز از عواملی تاثیر می‌پذیرند. محققان جامعه‌شناسی زیست محیطی، از جمله دانلپ و کاتون^۱ (۱۹۷۹)، باتل^۲ (۱۹۷۹)، شان و هولز^۳ (۱۹۹۰)، فیالو و جکوبسن^۴ (۱۹۹۴)، گرافتون و نولوژ^۵ (۲۰۰۳)، لاکان^۶ (۲۰۰۵) به بررسی عوامل تاثیر گذار بر کنش‌ها و فرهنگ زیست محیطی از جمله متغیرهای جمعیت شناختی (سن، جنس، طبقه اجتماعی، محل سکونت، وضعیت تاهل، تعداد فرزندان و سن فرزندان)، گرایش سیاسی، ایدئولوژی سیاسی، عملکرد زیست محیطی ملت‌ها، آگاهی زیست محیطی و عقیده دینی، پرداخته‌اند. فرهنگ زیست محیطی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی‌های زیست محیطی جوامع مدرن مطرح گردیده است. طرح این مفهوم در بسیاری از رویکردهای زیست محیطی حاکی از اهمیت نقش آن در محیط زیست طبیعی است (موحد و همکاران، ۱۳۸۷). امروزه، تجربه مشکلات زیست محیطی تنها به کشورهای توسعه‌یافته محدود نمی‌شود، بلکه اکثر کشورهای جهان را نیز در بر می‌گیرد (کاستلز^۷، ۱۳۸۹: ۱۴۸). اگر چه در اصل ۵۰ام قانون اساسی تصریح شده که «در جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات روبه رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است» (جهانگیری، ۱۳۸۱: ۴۴)، با این وجود، آلودگی هوای شهرهای صنعتی ایران، آتش گرفتن جنگل‌ها و سرازیر شدن شیرابه زباله‌ها و پساب فاضلاب‌های صنعتی به داخل رودخانه‌ها، ریختن زباله‌ها در معابر عمومی، پارک‌های جنگلی و پارک‌های سطح شهرها، مصرف بیش از حد برق، آب و گاز (در ساعات پرمصرف)، استفاده از خودروهای فرسوده، استفاده از مواد شوینده و وسائل بدون استانداردهای زیست محیطی و ... از جمله مشکلات و مسائل زیست محیطی در ایران هستند که از چشم هیچ انسان دغدغه‌مندی پنهان نیستند. محیط‌زیست بستری برای حیات بشری و تأمین‌کننده نیازهای انسانی است. مسئله حفاظت از محیط‌زیست و تفکر در مورد آن، قدمتی به درازای تاریخ بشریت دارد؛ زیرا محیط‌زیست، بستر زندگی انسان است و همه فرایندهای بقا و حیات انسانی به آن وابسته است. درواقع عملکرد و همچنین کیفیت محیط‌زیست مؤلفه‌ای کلیدی برای تأمین حیات بشر بوده که کلیه ارکان زیست‌کره را متأثر می‌کند؛ سازه‌های زیست‌شناختی بشر بر بستر این فضا شکل گرفته است.

با سلطه انسان بر منابع کره زمین و بهره‌برداری بدون برنامه‌ریزی از آن، محیط‌زیست به سمت نابودی پیش رفته است. جامعه انسانی اغلب نگرشی خودمحور نسبت به مسئله زیست‌محیطی دارد. وضعیت زیست‌محیطی در سطح جهان به دلیل وجود گرمایش جهانی، فرسایش خاک، کاهش سطح آب‌های سطحی و زیر زمینی، ریزگردها و موارد متعدد فراوان در شرایط بسیار نامطلوبی است. این مسئله در میان جهان سوم به شکل بحرانی‌تری دیده می‌شود. زیرا در این کشورها به دلیل مشکلات متعددی مانند فقر اقتصادی، سطح پایین سواد و عدم آموزش کافی، محیط‌زیست جزء اولویتهای افراد نبوده و همواره دستخوش تحولات منفی فراوانی شده است. ایران به‌عنوان یک کشور درحال توسعه و با رشد جمعیت قابل‌توجه از نظر پایداری زیست‌محیطی در شرایط مطلوبی نیست؛ به‌طوری‌که رعایت شاخص‌های پایداری زیست‌محیطی و توسعه پایدار در رتبه‌های پایین جدول جهانی قرار دارد و از میان ۱۴۶ کشور در رتبه ۱۳۲ قرار دارد (احمدیان و حقیقتیان، ۱۳۹۵: ۵۳). کاهش جنگل‌های ایران از بیست و یک هکتار به چهارده هکتار تنها در سه دهه و مقایسه آن با معیار جهانی که سرانه ۲ درصد هکتاری برای هر ایرانی به ازای ۸ درصد هکتاری جهانی، کاهش میزان سرانه آب به کمتر از ۱۳۰۰ مترمکعب و تنش آبی، خسارت بیش از هشت میلیارد دلاری در عرصه آلودگی هوا، همچنین بحران فرسایش خاک به میزان دو میلیارد تن (سه برابر آسیا) و تولید گاز گلخانه‌ای با رتبه سیزدهم برای ایران در عرصه جهانی همگی زنگ خطری است (احمدیان و حقیقتیان، ۱۳۹۵: ۵۵). محیط‌زیست یک پدیده فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است که از ابعاد گوناگون قابل‌بررسی است و باید به‌عنوان مهم‌ترین اولویت در جامعه مطرح شود؛ زیرا حفاظت از محیط‌زیست جزء لاینفک توسعه پایدار بوده و ارزش بنیادین آن باید برای نسل‌های آتی هم حفظ شود. مواردی مانند استفاده نامناسب از انرژی و یا انرژی نامناسب، بهره‌برداری و تخریب بی‌رویه منابع پایه، فقر و افزایش جمعیت، افزایش آلودگی‌ها و ... که عمده مشکلات زیست‌محیطی هستند مصداق بارز ناپایداری محسوب می‌شود و حفاظت از محیط‌زیست امری ناگزیر است. لذا بررسی عواملی که بر فرهنگ افراد نسبت به مسئله محیط‌زیست و چالش‌های ناشی از آن تأثیرگذارند امری ضروری است. عوامل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی شخصی (مانند روان و روحیه افراد) در نگرش آن‌ها نسبت به محیط‌زیست اثرگذار است. برخی بر این باورند مشکلات

1. Danlop and Katon
2. Batel
3. Shan ve Teoolz
4. Fyalo ve Jakobsan
5. Gerafton ve Noloj
6. Lakan
7. Castells

زیست‌محیطی ریشه در باورها و ارزش‌های اجتماع دارد به همین دلیل باید دانست افراد چگونه نسبت به محیط‌زیست فکر می‌کنند، چه شناختی نسبت به آن دارند و تا چه اندازه محیط‌زیست دغدغه آن‌ها محسوب می‌شود. لذا جهت‌گیری متأثر از عوامل مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی و حتی فردی نسبت به طبیعت در نگرش و رفتار زیست‌محیطی افراد اثرگذار است. دیدگاه‌ها و پارادایم‌های متنوعی نسبت به مسئله زیست‌محیطی وجود دارد اما پارادایم نوین زیست‌محیطی برای سنجش باورها، نظام ذهنی و فرهنگ نسبت به محیط‌زیست طراحی شده و دغدغه‌های زیست‌محیطی را دارد. در ارتباط با استان لرستان می‌توان گفت، دارای جلوه‌ها و مناظر و اکوسیستم زیست‌محیطی کم‌نظیری هست. طبیعت متنوع با کوه‌های مرتفع، رودخانه‌های خروشان و پوشش جنگلی این استان همه نشانگر اهمیت این منطقه از نظر زیست‌محیطی است. با این وجود، این استان نیز از خطرات و تهدیدات زیست‌محیطی جهانی در امان نمانده است. با توجه اهمیت زیست‌محیطی این منطقه، فرامیتی بودن مسائل و مشکلات زیست‌محیطی و تمرکز جامعه‌شناسان محیط‌زیستی به کنش‌ها و فرهنگ زیست‌محیطی افراد، و از طرفی دیگر با توجه به نقش قابل ملاحظه سازه‌های اجتماعی و فرهنگی به مثابه تعیین‌کنندگان مؤثر بر فرهنگ زیست‌محیطی پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این سوال است که چه رابطه‌ای بین تعیین‌کنندگان جامعه‌شناختی و فرهنگ زیست‌محیطی شهری زنان شهر خرم‌آباد وجود دارد؟

مبانی نظری

چارچوب نظری

از اواخر دهه ۱۹۶۰ متفکران رادیکال اقتصادی شروع به طرح راه‌حل‌های نظری برای بحران زیست‌محیطی در حال رشد در امریکا و جاهای دیگر کردند (صالحی، ۲۰۱۰). بسیاری از صاحب‌نظران این تفکر با بررسی دقیق سیستم‌های تولید صنعتی با دیدی انتقادی نتیجه گرفتند که رشد نامحدود اقتصادی که بیشتر مدل‌ها، تصورشان را دارند از نظر اکولوژی ناممکن است. پیراژه^۱ با نسبت دادن محدودیت‌های مادی و انتروپیک به مصرف‌نمایی مفهوم حالت پایای اقتصاد را بنا نهاد. طبق نظر پیراژه دیدگاه حالت پایا براساس اصول اولیه فیزیکی، بیولوژیکی و اخلاقی بنا شده است و بی‌واسطه و بدون کمک شبیه‌سازی‌های کامپیوتری، قابل استنتاج از آنهاست و با سرمایه ثابت مردم و ثروت مادی در سطح منتخب و مطلوبی نگه داشته می‌شود (صالحی، ۲۰۰۸). جریان مادی تولید و مصرف، پیرو سطوح جمعیتی مورد نظر و استانداردهای زندگی می‌باید کم شود نه زیاد. او دلیل می‌آورد که محدودیت هم در مکان و هم در مطلوبیت رشد، محدودیت اقتصادی از عرضی کم پول را ایجاد می‌کند (صالحی، ۲۰۰۸). این بحث اقتصادی همراه با نشانه‌های از رشد تخریب اکولوژیکی افکار جدی درباره یک اخلاق جدید تولیدی را برانگیخته است.

به اعتقاد دانلپ و ون‌لیر^۲، علی‌رغم تسلط یک پارادایم اجتماعی ضد اکولوژیکی غالب در جامعه امریکا در سال‌های افکاری ظهور کرده‌اند که پارادایم اجتماعی غالب جامعه امریکایی را به چالش می‌کشند (صالحی، ۲۰۰۸). مباحث عمومی در مورد محدودیت اجتناب‌ناپذیر رشد، لزوم رسیدن به یک اقتصاد حالت پایا، اهمیت حفظ تعادل طبیعت و نیاز به رد این ایده انسان‌محورانه، که طبیعت تنها برای استفاده انسان‌ها وجود دارد؛ مثال‌هایی از این تغییرها هستند. در رابطه با این تغییرها آنها نتیجه می‌گیرند که چنین ایده‌هایی در کنار هم یک جهان بینی را تشکیل می‌دهند. شاید – بهترین استعاره سفینه زمین باشد – که به طور چشمگیری با جهان‌بینی حاصل از پارادایم مسلط جامعه (DSP^۳) امریکایی متفاوت است (صالحی، ۲۰۱۰). دانلپ و ون‌لیر، برای تمایز این دیدگاه جدید که اختلاف‌های اساسی با پارادایم اجتماعی اجتماعی غالب دارد آن را پارادایم جدید زیست‌محیطی نامیدند و بر این اصرار داشتند که نگرانی درباره بحران در حال رشد زیست‌محیطی نه تنها برای جهان طبیعت پیامدهایی دارد بلکه برای جامعه انسانی هم نتایج مهمی به بار خواهد آورد (دانلپ و ون‌لیر، ۱۹۷۸). همانند ریتزر، کاتون و دانلپ از لغت پارادایم برای اشاره به تصویر بنیادین سوژه‌ی یک زمینه که قبل از دیدگاه‌های نظری خاص می‌آید، استفاده می‌کنند (دانلپ، ۲۰۰۰). این رویکرد عرصه‌ی جدیدی را در جامعه‌شناسی مطرح می‌کند که توجه به محیط زیست را به اندازه‌ی فرایندهای سیاسی و اقتصادی، برای درک شرایط اجتماعی ضروری می‌داند.

دانلپ و ون‌لیر (۱۹۷۸) مقیاس دوازده گویه‌ای برای سنجش پارادایم جدید زیست‌محیطی ساختند. در ابتدا، این مقیاس به عنوان مقیاس تک‌بعدی مطرح شد اما اندازه‌گیری‌های بعدی نشان داد که این مقیاس دارای سه بعد است شامل: تعادل طبیعت، حد و مرزهای رشد، و انسان در برابر طبیعت (البریجت و دیگران، ۱۹۸۲). این سه بعد از پارادایم جدید زیست‌محیطی، فرضیاتی را در مورد واقعیات اجتماعی ارائه می‌دهد:

1. Pirajeh
2. Downloap and Vanlir
3. Dominant social paradigm

۱- مخلوقات بی‌شماری در طبیعت زندگی می‌کنند، انسان‌ها بخشی از طبیعت هستند و بر آن سیطره ندارند. طبیعت حیات اجتماعی را برای انسان‌ها شکل می‌دهد.

۲- انسان‌ها با کنش‌های خویش تعادل طبیعت را بر هم می‌زنند و با دخل و تصرف در محیط زیست باعث به وجود آمدن مشکلات و مسائل زیست محیطی زیادی خواهند شد.

۳- منابع جهان محدود است، بنابراین کنش‌ها و رفتارهای اقتصادی و اجتماعی افراد باید کنترل شود (دانلپ، ۱۹۷۸) بار^۱ (۲۰۰۳) معتقد است که نگرش جدید مطرح شده توسط دانلپ و ون‌لیر (۱۹۷۸) و دانلپ و همکاران (۲۰۰۰) نگرشی است که ارزش‌های زیست‌محور را در برابر ارزش‌های تکنو محور قرار می‌دهد. مطابق با جهان بینی زیست‌محور، کسانی که دارای ارزش‌های زیست‌محوری هستند (ارزش ذاتی محیط زیست) تمایل بیشتری به توجه نسبت به محیط زیست و انجام رفتار مناسب نسبت به محیط زیست دارند. همچنین، مطابق با جهان-بینی تکنو محور، تکنولوژی می‌تواند راه‌حلی برای مشکلات زیست محیطی مهیا کند و از این رو کسانی که دارای این جهان‌بینی هستند کمتر مراقب محیط اطراف خود هستند (بار، ۲۰۰۳: ۴۰۹). دانلپ و ون‌لیر جهان‌بینی تکنو محور را ضد محیط زیستی می‌دانند و آن را به چالش کشیدند. سپس، به ارائه رویکردی پرداختند که برای محیط زیست ارزش ذاتی قائل است و می‌تواند جهت دهنده رفتارهای زیست محیطی باشد. به اعتقاد بار (۲۰۰۳) نگرش‌های زیست محیطی شامل جهت‌گیری‌های اساسی افراد در مورد محیط زیست است. آنها معتقدند که یافته‌های محققان به صورت کلی و بدون هیچ استثناء حاکی از آن است که این جهت‌گیری منجر به رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست می‌شود (همان: ۴۱۰-۴۰۹). گرچه دانلپ و کاتون هیچ وقت نگفتند که فرضیه‌های قابل آزمون باید از مجموعه‌ی وسیعی از فرضیات پیش زمینه استخراج شوند که شبیه به آنچه که پارادایم خودشان، نگرش‌های زیست محیطی را تشکیل داده‌اند باشند. اتفاقاً مقیاس‌های نگرش‌های زیست محیطی ابزار مناسبی برای ارزیابی نگرش‌های مردم به محیط زیست در کشوری مثل ایران فراهم می‌کنند. علاوه بر این، با توجه به شرایط کنونی جامعه ایران به نظر می‌رسد نگرش‌های زیست محیطی می‌تواند ما را در مطالعه روابط بین فرهنگ زیست محیطی و رفتار معنا دار زیست محیطی مردم کمک کند. حالتی را که محیط‌زیست امروزه جهان در آن قرار دارد فشار بیش‌ازحد و سقوط می‌توان دانست مسئله‌ای که توسعه پایدار را به یک رویای دست‌نیافتنی تبدیل کرده است. حفاظت از محیط‌زیست نیازمند دیدگاه و نگرش ویژه‌ای به مسئله محیط‌زیست و چالش‌های آن است (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

از دیدگاه مفهومی، فرهنگ زیست‌محیطی حاوی مجموعه‌ای از کنش‌ها و نگرش‌های افراد جامعه نسبت به محیط‌زیست هست و حاوی مجموعه‌ی از احساسات، تمایلات، افکار و دیدگاه‌های افراد نسبت به مسئله محیط‌زیست است (حاجی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۶). از آنجاکه هریک از جوامع انسانی به دلیل دارا بودن فعالیت‌های اجتماعی و همچنین خصوصیات فرهنگی و سلطه سیاسی خاص حاکم بر آن‌ها، ارزش‌ها و نگرش‌های متنوعی نسبت به محیط‌زیست و طبیعت دارند (عابدی سروسنایی، ۱۳۹۰: ۷۸). لذا باید دانست که محیط‌زیست و مبحث حفاظت از آن یک مقوله مهم است که نیازمند توجه کامل و نگرش به آن از زوایای مختلف آن جامعه است. عوامل زیادی در یک فضای جغرافیایی بر دیدگاه شهروندان نسبت به محیط‌زیست و توانایی حفاظت از آن اثرگذار هستند. آگاهی از مسائل زیست‌محیطی می‌تواند رفتارهای مسئولانه‌ای را در برابر محیط‌زیست به همراه آورد. میزان گرایش به حفظ محیط‌زیست در هر منطقه با دیگری متفاوت است. به گونه‌ای که هرچه میزان شکنندگی محیط بالاتر باشد، میزان تأثیر مجموعه عوامل ذکرشده در حفظ آن محیط نیز پرننگ‌تر خواهد بود.

به نظر مارکس انسان از طریق کار جمعی و برای رفع نیازهایش محیط‌زیست و صورت‌های سازمان اجتماعی را دگرگون می‌کند؛ و شیوه‌های پیشرفته تولید به توسعه اقتصادی و دگرگونی جهان مادی منجر می‌شود و سرمایه‌داری و فن‌آوری صنعتی موجب پویایی این روند می‌گردد. بنابراین در جوامع مدرن محدودیت‌های طبیعی مانعی برای توسعه و بهره‌برداری از طبیعت نیست؛ البته مارکس از ظرفیت‌هایی که سرمایه‌داری برای تخریب بازدهی زمین و استفاده نامناسب از طبیعت و منابع طبیعی دارد آگاه بود. توجه به تعامل میان جامعه و محیط‌زیست و اقتصاد و جمعیت در دریافت‌ها و نگرش‌های زیست‌محیطی مارکس^۲ و دورکیم^۳ روشن‌تر از وبر^۴ است. دور کیم به تراکم جمعیت و منابع مادی و نیروی تحول جوامع بشری توجه می‌کرد که موجب توجه به جهان طبیعی به‌عنوان عامل علی مؤثر در تاریخ انسانی شده است. از اواسط نیمه سده نوزدهم تا اوایل سده بیستم شاهد جنبش فکری دوگانه‌ای در تاریخ بوم‌شناسی جوامع مدرن هستیم دورکیم ظهور مدرنیته و ظرفیت‌های اجتماعی اقتصادی منحصر به فرد آن را که در آن افراد و جوامع می‌توانستند فضای رقابتی خودشان را پیدا کنند در چارچوب تقسیم‌کار پیشرفته و قشربندی سیاسی تبیین کرد؛ و اینکه جمعیت و محدودیت منابع انگیزه‌ای برای نوآوری‌های فن‌آوری و

1. Bar
2. Marx
3. Durkheim
4. Weber

تفکیک اجتماعی شد و جامعه صنعتی مدرن را ایجاد کرد. درواقع نه محدودیت‌های طبیعی، بلکه این صورت‌های غیرطبیعی تقسیم‌کار بود که توازن جوامع مدرن را برهم زد (بری، ۲۰۰۷: ۹۹).

آثار وبر رابطه محدودتری با جهان طبیعی و محیط‌زیست دارد. در تعدادی از آثار وی اندیشه‌هایی درباره خاستگاه‌ها و تبعات زیست‌محیطی ناشی از زندگی کوچ‌نشینی (مطالعاتی درباره دین یهود) دیده می‌شود. باوجود مطالعات تاریخی وبر در مورد تمدن‌های تاریخی و به‌رغم تمرکز این مطالعات بر تولید کشاورزی، مباحث اندک و معدودی به تأثیرات تاریخی و اجتماعی زیست‌محیط‌های طبیعی متفاوت اختصاص پیدا کرده است. بنابراین درحالی‌که مارکس تنها به منافع و علائق اقتصادی و توجیهات ایدئولوژیکی مخالفت‌های سیاسی نظر داشت، ماکس وبر متوجه محوریت ناسیونالیسم فرهنگی و انتخاب ارزش‌ها در بسیج کردن سیاست مدرن بود. ماکس وبر همچون دور کیم استدلال می‌کرد که دگرگونی فرهنگی می‌تواند منجر به کنش سیاسی شود. هرچند منابع فرهنگی مدرنیته نمی‌تواند آن نوع چارچوب هنجاری مشترکی را که دور کیم طرح کرده بود تضمین کند. بنابراین در نزد وبر بهترین منبعی که فرهنگ مدرن می‌تواند در دسترس کنشگران قرار دهد، نوعی امید است به اینکه محاسبه عقلانی شرایط وضعیت‌های سیاسی به گزینش‌ها و انتخاب‌های اخلاقی و کاربرد شفاف‌تر آن‌ها بیانجامد. درعین‌حالی که ملی‌گرایی فرهنگی ممکن است سازوکاری را برای بازتعریف روشنگرانه منافع و علائق طبقاتی عرضه کند (بلوندن، ۲۰۰۳: ۱۷). اهمیت این مباحث در آن است که اول سیاست‌های زیست‌محیطی هم به‌وسیله علائق و هم ایدئال‌ها برانگیخته می‌شوند. علائق می‌تواند شامل بیم از خسارت‌های زیست‌محیطی و بیم از کاهش سودآوری یا اشتغال باشد. ایدئال‌ها و داعیه‌های اخلاقی نیز می‌تواند دربرگیرنده آینده‌ای درست برای نسل‌های کنونی و تمامی صورت‌های زندگی باشد. دوم پیوندهای متقابل میان علائق و ایدئال‌ها فرهنگ و ساختار اجتماعی در اسیر سیاست‌های زیست‌محیطی دارای اهمیت‌اند. درواقع علائق و منافع قادرند تا به‌صورتی ایدئولوژیک داعیه‌های اخلاقی را متأثر سازند و آن‌ها را دگرگون کنند؛ حال‌آنکه رشد شناخت و مباحث اخلاقی می‌تواند منجر به بازتعریف روشنگرانه منافع و علائق شود. سوم تمام مباحث مربوط به سوسیالیسم در نظریه اجتماعی کلاسیک مسئله مشترکی دارند، این مسائل همه در قلب سیاست‌های زیست‌محیطی جای دارند.

از دیدگاه نظریه اجتماعی مدرن، مسئله تخریب زیست‌محیطی بسیار حائز اهمیت تلقی شده است. ازاین‌رو در نظریه اجتماعی مدرن تخریب زیست‌محیطی تنها در پرتو فهم و درک چگونگی و علت تخریب محیط‌زیست میسر می‌گردد؛ به‌عبارت‌دیگر برای دخالت سیاسی و جلوگیری از تخریب محیط‌زیست باید شرایطی را که در آن سیاست‌های زیست‌محیطی به طرز موفقیت‌آمیزی بسیج شده‌اند و نیز محدودیت‌ها و قیدوبندهایی اعمال‌شده را فهم و شناسایی کرد. یکی از قیدهایی که هر سیاست زیست‌محیطی باید اعمال کند، ارائه گزینه‌های سیاسی و اقتصادی جذاب و معقول است. در زمینه بررسی شکل‌گیری سیاست‌های زیست‌محیطی باید تغییرات و تبدیل‌های محیط‌زیست به‌صورت تاریخی واقعی مد نظر قرار گیرد. این خود مبنای توجه به شکل‌گیری جنبش‌های زیست‌محیطی است. این تغییرات و تبدیل‌های زیست‌محیطی به تغییر ماهیت و بازتعریف علائق و منافع مادی و ایدئال‌های اخلاقی کمک می‌کنند. موانع ساختاری بر سر راه موفقیت سیاسی جنبش‌های زیست‌محیطی چندانیه است. به همان صورتی که رفاه مادی امکان‌پذیر بودن اتخاذ سیاست‌های زیست‌محیطی را فراهم می‌آورد. به‌صورتی تناقض گونه نیز رفاه مادی بزرگ‌ترین هم‌آورد سیاست‌های زیست‌محیطی است. انواع تغییرات ایجادشده در مصرف و در تعریف رفاه مستلزم این بوده است که جوامع غربی را در مدار پایداری قرار دهد که دامنه آن گسترده و تغییرات و پیامدهای آن عمقی است. دگرگونی‌های اجتماعی ناشی از این وضع تکلیف سیاسی سنگینی را دامن زده است.

گیدنز برای تبیین خیزش‌گاه‌ها و پیامدهای تخریب محیط‌زیست و شناخت توسعه و پویایی جوامع مدرن تلاش‌های گسترده‌ای کرده‌اند. در مورد گیدنز می‌توان چنین گفت: اولاً تبیین‌های او ناظر به بررسی تعامل میان سرمایه‌داری و منفعت‌گرایی است ولو به‌صورت ناقص، این تبیین‌ها نقطه شروعی قوی برای تبیین خاستگاه‌های تخریب محیط‌زیست به شمار می‌آیند. دوم اینکه نظریه اجتماعی گیدنز توجه خاصی به بعد فضایی مکانی فرایندهای اجتماعی و روش‌های جغرافیایی کرده و توانسته است ماهیت جامعه‌شناختی شهرگرایی و جهانی‌شدن و نسبت آن‌ها را با مسائل زیست‌محیطی بررسی نماید. سوم اینکه رویکرد تفهیمی - تفسیری گیدنز در نظریه اجتماعی و به دست دادن الگوهای علی متکثر برای بررسی فرایندهای، اجتماعی موجب شده که در اینجا به موضوع نقش قدرت سیاسی و ایستارهای فرهنگی در تخریب زیست محیط نیز توجه شود و دلیل آخر اینکه تبیین گیدنز از خاستگاه‌های جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی در نظریه اجتماعی ما را متوجه اهمیت بررسی ویژگی‌های دوگانه قدرت فرهنگی و سیاسی می‌کند. آنچه موجب تمایز اولریش بک از سایر نظریه‌پردازان اجتماعی مدرن می‌شود این است که وی به امکانات بالقوه فاجعه آمیز و دهشتناک تخریب محیط‌زیست جهانی به عنوان محور مسائل زیست‌محیطی، پرداخته است در حقیقت اولریش بک تا آنجا پیش رفته است که می‌گوید مدرنیته‌ای که در نظریه اجتماعی کلاسیک توصیف شده به‌صورت بنیادی به یک نوع جامعه متفاوت یعنی «جامعه‌ای مخاطره‌آمیز بدل گردیده است. به نظر بک شکل‌گیری جامعه مخاطره‌آمیز، ناشی از ظهور سطح متفاوتی از خطر‌ها و مخاطره‌پذیری‌های زیست‌محیطی پایدار و تاریخی فوق‌العاده عظیم است و لذا

الگوهای توافقی جامعه مدرن قادر نیست خاستگاه‌ها و پیامدهای شکل‌گیری جامعه مخاطره‌آمیز را به کنترل خود درآورد. داعیه‌های یک در زمینه تبدیل مدرنیته کلاسیک به جامعه مخاطره‌آمیز، همسویی تنگاتنگی با الگوی نظری گیدنز مدرنیته متأخر دارد؛ که در آن جنبش‌های اجتماعی زیست‌محیطی به طرز جدیدی نسبت به خطرها و مخاطره‌پذیری زیست‌محیطی واکنش نشان می‌دهند یک همچنین راه‌هایی که از طریق آن‌ها روابط قدرت فرهنگی و سیاسی معاصر و موجود در خدمت پوشاندن و پنهان کردن خاستگاه‌های تخریب زیست‌محیطی قرار می‌گیرد و از تخریب‌کنندگان محیط‌زیست حمایت می‌شود را بررسی کرده است. (احمدی و دهقانی، ۱۳۹۴: ۱۱۰-۱۱۲).

آرای یورگن هابرماس نظریه‌پرداز اجتماعی مدرن به چند دلیل حائز اهمیت است: اول کارهای اخیر هابرماس به‌نوعی بازآرایی مستمر و خستگی‌ناپذیر نظریه اجتماعی کلاسیک است و لذا منجر به تولید جامع‌ترین تفسیرهای جدید از سازمان نهادی مدرنیته و توسعه فرهنگی مدرنیته شده است. دوم، هابرماس از این چارچوب مفهومی برای واری و کاوش در شکل‌گیری و پیدایش «جنبش‌های اجتماعی جدید» استفاده کرده و اهمیت سیاسی بالقوه و امکانات این جنبش‌ها را محک زده است. سوم کارهای هابرماس مسیرهایی را که دگرگونی ساختارهای اجتماعی به ایجاد سازمان جدیدی از منافع و علائق اقتصادی و سیاسی منجر می‌شود نشان می‌دهد و در فهم این نکته کمک می‌کند که چگونه این منافع و علائق موجب برانگیخته شدن و بسیج سیاست‌های زیست‌محیطی معاصر می‌شوند. چهارم هابرماس ما را قادر می‌سازد رویه‌هایی را که دگرگونی فرهنگی و دانش و آگاهی اخلاقی زیست‌محیطی مدرن از آن طریق به علائق و منافع بازتعریف شده و شکل‌گیری جنبش‌های سیاسی زیست‌محیطی منجر می‌شوند بشناسیم. پنجم در کارهای هابرماس برخی از برجسته‌ترین نگرش‌های عمیق دانشمندان علوم سیاسی معاصر در زمینه خاستگاه‌های ساختاری سیاست‌های زیست‌محیطی با آرای خود او تلفیق شده است (عسگری و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۹).

لذا بررسی تأثیر عوامل سیاسی و اجتماعی بر نگاه شهروندان به محیط‌زیست در هر منطقه جغرافیایی ضروری است. زیرا در صورت بررسی مسئله از دیدگاه عوامل سیاسی و اجتماعی علاوه بر ایجاد افق‌های جدید پیشرو، می‌توان مشکلات زیست‌محیطی را بازبینی کرده و برای رفع آن چاره‌ای اندیشید.

پیشینه پژوهش

همتی و همکاران (۱۴۰۳) پژوهشی را درباره تعیین گره‌های فرهنگ زیست محیطی با بهره‌گیری از روش کیفی تحلیل مضمون و مصاحبه نیمه ساختاریافته انجام دادند بر اساس نتایج پژوهش، مؤلفه‌های فرهنگ محیط زیستی، ۷ مضمون پایه به دست آمد که این موارد در قالب مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده قابل تقسیم‌بندی بودند. مضامین پایه به دو دسته کلی ذهنی و عینی تقسیم شدند. درباره عوامل مؤثر بر فرهنگ محیط‌زیستی، به ۱۲ مضمون پایه اشاره شد که این موارد نیز در قالب مضامین فراگیر و سازمان‌دهنده قابل تقسیم‌بندی بودند. این مضامین پایه به سه دسته کلی عوامل فرهنگی - اجتماعی، انگیزشی و اقتصادی تقسیم شدند. در نهایت، جهت بررسی اعتبار محتوایی الگو، از شاخص سی وی آر^۱ استفاده شد که نتایج (بیش از ۰/۴۲) حاکی از تأیید الگوی طراحی شده توسط صاحب‌نظران می‌باشد.

صابری فر (۱۴۰۳) پژوهشی را درباره عوامل مؤثر بر شکل‌گیری شهروندی زیست محیطی شهر مشهد بر روی جمعیت ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار نفری با حجم نمونه آماری ۳۸۵ نفر انجام داده است. نتایج نشان داد که شهروندی زیست محیطی در این شهر حداقل بر اساس معیار تفکیک زباله و تحویل به موقع آن، شکل نگرفته و این عامل با متغیرهایی چون نگرش منفی نسبت به زباله، اعتقاد به برتری انسان، ضعف آگاهی و شناخت، نظارت‌های جمعی اندک، مسئولیت‌گریزی، خودخواهی، منش فردی نامناسب، مسکن ویلایی، دسترسی نامناسب به امکانات و زیرساخت‌های شهری و حاشیه‌نشینی، رابطه معناداری دارد. تحلیل نهایی نشان داد که متغیرهای وارد شده به مدل، تقریباً نیمی از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند.

محمدی سرین دیزج و همکاران (۱۴۰۳) پژوهشی را درباره بافت فرسوده شهری بر اساس طرح بازآفرینی شهر تبریز با استفاده از مدل سوات^۲ انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که امتیاز عوامل داخلی (قوت و ضعف) ۲/۲۹ و امتیاز عوامل خارجی (فرصت و تهدید) ۲/۵۲ به دست آمد که نشانگر غلبه نقاط ضعف بر نقاط قوت در عوامل داخلی و غلبه فرصت‌ها بر تهدیدها بر عوامل خارجی است. نوآوری پژوهش در طراحی سناریوهای بازآفرینی محله می‌باشد که در نهایت سناریوی سوم در قالب راهبردی عملی با رعایت ضوابط طراحی در بافت سنتی با یک طرح تلفیقی سنتی و مدرن مورد تصویب جهت اجرا قرار گرفت.

مرادی و همکاران (۱۴۰۲) پژوهشی با عنوان برآزش مدل تلفیقی مکان‌سازی مناطق پیراشهری با تأکید بر تعادل زیست محیطی انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که برقراری تعادل زیست محیطی در مکان‌سازی مناطق پیراشهری، تحت تأثیر ۷ معیار و ۲۲ زیرمعیار قرار

دارد که از میان آنها کیفیت محیطی بیشترین تاثیر (ضریب مسیر = ۰/۵۲۲۷) و ساختار معنایی (ضریب مسیر = ۰/۳۵۳) کمترین تاثیر را داشته اند. همچنین؛ مقدار میانگین شاخص اشتراکی ۱/۱۴۷ و مقدار ضریب تعیین برابر با ۰/۹۱۸۴ به دست آمد. برازش کلی مدل نیز ۰/۵۲۳۵ محاسبه گردید. در بررسی نهایی، مشخص شد که تمامی مسیرها دارای ضرایب معنی داری هستند و در نتیجه مدل مفهومی پژوهش تایید گردید

موسوی و همکاران (۱۴۰۲)، پژوهشی با عنوان ارزیابی اکولوژیک کنار آب شهری شهر هندیجان انجام دادند. نتایج تحقیق نشان داد که از میان سه معیار زیست محیطی، خدمات حمل و نقل و محیط کالبدی، مؤلفه زیست محیطی با ۴۰ درصد، وضعیت مطلوب تری نسبت به دو عامل دیگر داشته و مؤلفه خدمات حمل و نقل، با ۱۳ درصد کمترین امتیاز ارزیابی اکولوژیکی را به خود اختصاص داده است با این وجود کسب امتیازاتی پایین تر از پنجاه درصد نشان از ضعف جامع اکولوژیکی این کنار آب دارد. نوآوری تحقیق حاضر، شناسایی معیارهای توسعه اکولوژیکی در محدوده های کنار آب شهری با بررسی نمونه های موفق در این زمینه و ارائه معیارهایی جهت ارزیابی و بهبود کیفیت اکولوژیکی این نواحی است.

ساسان پور و همکاران (۱۴۰۲)، پژوهشی با عنوان تأثیر بنیان های بوم شناختی بر زیست پذیری مناطق شهری انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد از بین این نواحی ناحیه ۴ با ارزش ۰/۹۵۷ بالاترین رتبه و ناحیه ۸ با ارزش ۰/۲۴۳ پایین ترین رتبه را از نظر تأثیر بنیان های بوم شناختی بر زیست پذیری کسب نموده است. می توان نتیجه گرفت هرچه بنیان های بوم شناختی در مناطق شهری بیش تر و دارای کیفیت بالاتری باشد، نقش آن ها در زیست پذیری مناطق شهری بیش تر خواهد بود. نوآوری این پژوهش شناسایی بنیان های بوم شناختی موجود در منطقه یک و استفاده از تکنیک AHP و FUZZY است.

ایراندوست و همکاران (۱۴۰۱) در کتابی با عنوان بازآفرینی شهری و جستار تفاوت جنسیتی، به این نتیجه رسیدند که جنسیت و عدم توجه به آن در فضاهای شهری و همچنین در فرآیندهای بازآفرینی شهری، نیاز و خواسته ای نادیده گرفته شده است که به نوعی در مداخلات نقش های جنسیتی و جنسیت، به طور قابل توجهی بر ماهیت و تمرکز بازآفرینی جامعه تأثیر گذار است. گرچه مسأله جنسیت در بازآفرینی بیشتر نادیده گرفته می شود، اما در نگاهی متفاوت جنسیت در قلب بازآفرینی شهری قرار دارد و در طیف وسیعی از خدمات- مسکن، حمل و نقل، آموزش، بهداشت و جرم و جنایت خود را نشان می دهد. نکته مهم توجه به نقش زنان در این فرآیند است که در قالب سه رویکرد توسعه مبنا یعنی: برابری، فقرزدایی و کارآمدی؛ و توانمندسازی خود را نشان می دهد.

صالحی، صادق و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی را درباره رسانه، فرهنگ و رفتارهای محیط زیستی با روش پیمایش در بین شهروندان سنج انجام دادند. نتایج پژوهش نشان داد که میزان مصرف رسانه ای بر نگرش، ارزش و رفتار محیط زیستی تأثیر دارد. با این اوصاف، مصرف رسانه ای بر دغدغه ها و آگاهی محیط زیستی تأثیری ندارد. به نظر می رسد صدا و سیما با کمبود کارشناسان و متخصصان روبرو است که بتوانند مشکلات محیط زیستی را به گونه ای دیگر عرضه کنند. به عبارت دیگر، به نظر می رسد برنامه ها نوعاً، به صورت مستقیم و خام به مسائل محیط زیستی می پردازند و کمتر به جنبه های اجتماعی و فرهنگی آن می پردازند. این مشکل در جامعه شناسی محیط زیست تحت عنوان حادثه _ محوری شناسایی شده است.

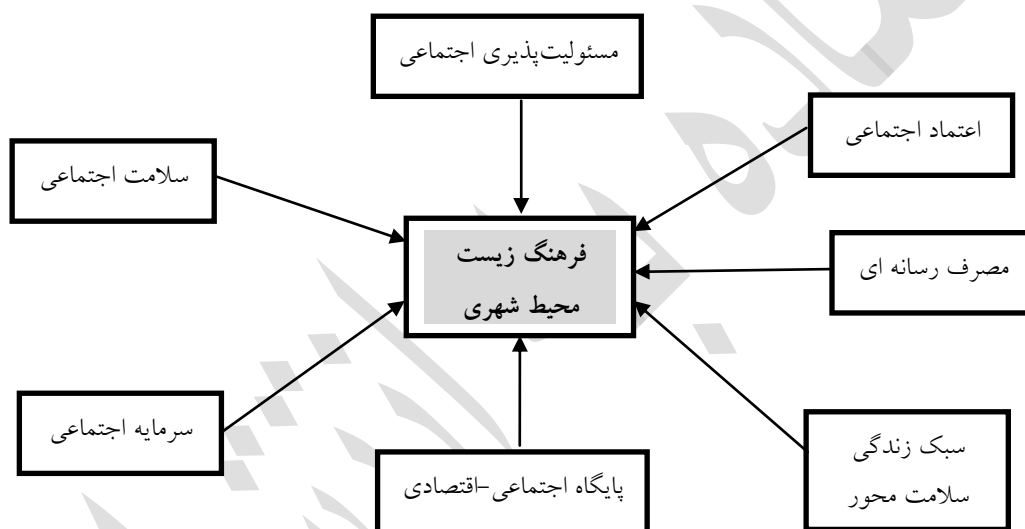
سوفسکا^۱ (۲۰۱۷) پژوهشی درباره زیست پذیری در یک شهر، از طریق راه حل های هوشمند و برنامه ریزی شهری به منظور توسعه آینده زیست زیست پذیر پایدار اسکوپیه انجام داد. نتایج پژوهش نشان داد جذابیت و زیست پذیری شهری نتیجه عوامل متعددی همچون موقعیت جغرافیایی، آب و هوا و قابل دسترس بودن خدمات است.

الکساندر^۲ (۲۰۱۵) پژوهشی درباره زیست پذیری، چالش ها و موقعیت های واحد همسایگی انجام داد. نتایج این پژوهش نشان داد که پایداری اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی بیش از پیش در واحد همسایگی و محلات پایدار بایستی مورد توجه قرار گیرد.

گرافتون و نولز (۲۰۰۳) در مطالعه ای با عنوان سرمایه اجتماعی و عملکرد زیست محیطی ملی به بررسی روابط بین اقدامات ملی، سرمایه اجتماعی (مدنی و عمومی)، واگرایی های اجتماعی و ظرفیت های اجتماعی بر شاخص های مختلف عملکرد ملی زیست محیطی پرداخته اند. نتایج پژوهش نشان داد که طیف گسترده ای از عوامل تعیین کننده اجتماعی (سرمایه اجتماعی، واگرایی های اجتماعی و ظرفیت های اجتماعی) تأثیر قابل توجهی بر کیفیت محیط زیست دارند. همچنین نتایج نشان داد بین سرمایه های عمومی اجتماعی (دموکراسی و فساد) و تأثیرات سیاست های زیست محیطی ملی و عوامل اساسی اقتصادی و جمعیت شناسی تعیین کننده عملکرد ملی محیط زیست رابطه وجود دارد.

کایرز و همکاران (۱۹۹۹) در مطالعه‌ای تحت عنوان نگرش و رفتار بوم‌شناسی زیست محیطی به بررسی نگرش‌ها و رفتار بوم‌شناسی زیست محیطی پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان داد افرادی که دانش بیشتری در مسائل زیست محیطی دارند، نسبت به محیط و مسائل آن حساس‌تر می‌گردند، لذا به احتمال بیشتر این افراد دارای نگرش مثبت نسبت به محیط زیست نیز می‌باشند و به رفتارهای مسئولانه نسبت به محیط زیست می‌پردازند. همچنین آنها به این نتیجه رسیدند که بهترین پایگاه‌های دفاع از محیط زیست باید در فکر انسان ساخته شود و آموزش انسان در مورد مسائل و مشکلات زیست محیطی بخش بنیادین این پایگاه‌های ذهنی است که آموزش زیست محیطی باعث افزایش آگاهی و دانش زیست محیطی می‌شود و دانش زیست محیطی منجر به شکل‌گیری نگرش زیست محیطی مسئولانه در ذهن انسان می‌شود در نتیجه این نگرش است که ما شاهد رفتارهای زیست محیطی مسئولانه‌ای نسبت به محیط زیست خواهیم بود. آموزش زیست محیطی حائز اهمیت است زیرا در مبارزه برای نجات سیاره زمین می‌تواند موثر باشد.

بررسی تحقیقات پیشین نشان می‌دهد، پژوهش حول محور فرهنگ زیست محیطی زنان در جامعه شهری کمتر کانون توجه قرار گرفته است و از سویی دیگر برهم کنش سازه‌های اجتماعی و فرهنگی موثر بر فرهنگ زیست محیط شهری نیاز به پردازش و پژوهش بیشتری دارد، لذا این پژوهش به دنبال این است که فرهنگ زیست محیطی شهری زنان که منبع کنش اجتماعی است را در ارتباط با تعیین‌کنندگان اجتماعی و فرهنگی سلامت اجتماعی، مصرف فرهنگی، اعتماد اجتماعی، سبک زندگی سلامت محور، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مصرف رسانه‌ای مورد بررسی و واکاوی علمی قرار دهد.



شکل ۱. مدل نظری پژوهش

روش انجام پژوهش

به لحاظ روش شناسی این پژوهش مبتنی بر استراتژی قیاسی، روش کمی، تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه است. طرح‌های قیاسی به طرح‌هایی اطلاق می‌شود که با اتخاذ رویکرد قیاسی - فرضیه‌ای و تعیین چارچوب نظری از پیش تعیین شده، صورت می‌پذیرند. در این پژوهش هدف این است که سازه‌های اجتماعی و فرهنگی تعیین‌کننده و اثرگذار بر فرهنگ زیست محیطی را از طریق مصاحبه با پرسشنامه ساخت یافته مورد سنجش قرار دهیم. این پژوهش به دنبال بررسی و آزمون فرضیه ارتباط بین تعیین‌کنندگان اجتماعی و فرهنگی با فرهنگ زیست محیطی شهری زنان است. با توجه به اینکه منطق روش شناسی تحقیق حاضر مبتنی بر استراتژی قیاسی و روش کمی است، داده‌های پژوهش با استفاده از تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه، جمع‌آوری و با بکارگیری آماره‌های توصیفی و استنباطی مورد پردازش قرار گرفتند.

جامعه مورد مطالعه این پژوهش زنان ۶۴-۱۵ سال شهر خرم‌آباد است. با توجه به گستردگی میزان جامعه آماری و عدم امکان دسترسی به همه‌ی اعضای جامعه، بایستی تعدادی از افراد که معرف جامعه کل باشند به عنوان حجم نمونه انتخاب می‌شدند. در این پژوهش بدین سبب که جامعه آماری جامعه‌ای بزرگ محسوب می‌شود، به نحوی که حجم آن بر حجم نمونه تأثیری نخواهد گذاشت، با

استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. نوع نمونه‌گیری در پژوهش حاضر خوشه ای و تصادفی می باشد. بدین صورت که شهر خرم آباد بر اساس مناطق مختلف خوشه‌بندی و سپس از هر خوشه نمونه‌نهایی به صورت تصادفی انتخاب شده است. سنجش مسئله اصلی هر پژوهشی است و ابزاری برای نیل به اهداف تحقیق است مهمترین معیار درستی سنجش، اعتبار^۱ آن است، یعنی آیا واقعاً همان چیزی را می‌سنجیم که قصد سنجش آن را داریم؟ همچنین، سنجش باید از ثبات هم برخوردار باشد، یعنی هم‌سانی سنجش مکرر که این ثبات را پایایی^۲ می‌خوانند (بیکر، ۲۰۰۷: ۱۳۶). در بحث از اعتبار، می‌بایست اذعان داشت که سنجه معتبر سنجه ایست که همان چیزی را بسنجد که مورد نظر ماست. فی الواقع، اعتبار یا فقدان اعتبار به خود سنجه مربوط نمی‌گردد. اعتبار سنجه به نحوه تعریف مفهوم مورد بررسی بستگی دارد (دواس، ۱۹۹۷: ۶۲). در این تحقیق برای تعیین اعتبار ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش اعتبار صوری استفاده شده است. همچنین از روایی محتوا و سازه نیز استفاده شده است. سنجشی دارای پایایی است که در صورت تکرار آن در مواقع دیگر به نتایج یکسان برسد. اگر مردم در مواقع مکرر به پرسش پاسخ یکسانی بدهند، آن پرسش دارای پایایی (دواس، ۱۹۹۷: ۶۲). برای سنجش پایایی پژوهش حاضر، از آزمون آلفای کرونباخ^۳ استفاده شده است.

همانطور که در جدول ۱. مشاهده می‌شود، ضریب آلفای کرونباخ همه متغیرها بالای ۰/۷ و مقدار پایایی قابل قبول است. برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده ابتدا در سطح توصیفی با استفاده از شاخص‌های آماری به توصیف و تلخیص ویژگی‌های جمعیت-شاخصی افراد نمونه پرداخته و سپس با عنایت روش تحقیق، برای بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته و مولفه‌های آنها، از آمار استنباطی ضریب همبستگی و رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

جدول ۱. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای تحقیق

مفهوم	مقدار آزمون آلفا
فرهنگ زیست محیطی شهری	۰/۸۸۳
سلامت اجتماعی	۰/۸۱۱
سبک زندگی سلامت‌محور	۰/۷۸۵
اعتماد اجتماعی	۰/۸۲۱
مصرف رسانه‌ای	۰/۷۶۶
مصرف فرهنگی	۰/۸۲۳
مسئولیت‌پذیری اجتماعی	۰/۷۸۶

محدوده مورد مطالعه

شهرستان خرم‌آباد با مساحت ۴۹۸۶ کیلومتر مربع و با جمعیت ۵۰۶۴۷۱ نفر در سال ۱۳۹۵، یکی از شهرستان‌های استان لرستان در غرب ایران بوده و مرکز آن شهر خرم‌آباد است. این شهرستان در محدوده ۳۲ درجه و ۸۸ دقیقه تا ۳۳ درجه و ۸۸ دقیقه عرض جغرافیایی شمالی و ۴۸ درجه و ۰۳ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۹۹ دقیقه طول جغرافیای شرقی واقع شده است. براساس نتایج سرشماری عمومی و نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، جمعیت شهرستان خرم آباد ۵۰۶۴۷۱ نفر بوده است که ۲۸/۷ درصد جمعیت استان لرستان با نرخ رشد ۳/۹ درصد را شامل می‌شود. از این تعداد ۲۵۵۷۸۱ نفر مرد و ۲۵۰۶۹۰ نفر زن بوده‌اند. همچنین از جمعیت این سال تعداد ۳۸۰۸۲۹ ساکن شهرها و تعداد ۱۲۴۴۱۷ نفر ساکن روستاها بودند (سالنامه آماری استان لرستان، ۱۳۹۵).



شکل ۲. موقعیت جغرافیایی شهر خرم‌آباد در استان لرستان و کشور ایران
 مأخذ: سازمان نقشه‌برداری کشور، ۱۳۹۷

یافته‌ها

در این تحقیق برای سازمان دهی و خلاصه کردن داده‌ها و ارائه آماره‌های توصیفی، سن پاسخگویان به ۱۰ گروه با بازه ۵ سال تقسیم شده است. بیشترین افراد (۱۳/۵ درصد) در گروه سنی ۲۰-۲۴ ساله واقع شده‌اند و کمترین افراد (۶ درصد) در گروه سنی ۶۰ به بالا قرار دارند. همچنین میانگین سنی پاسخگویان ۲۹/۴۳ سال است. برای سنجش تحصیلات از پاسخگو خواسته شده بود که تعداد سالهای تحصیل خود را عنوان کند. بدین شکل تحصیلات یک متغیر فاصله‌ای بود. اما، برای سازمان دهی، خلاصه کردن و همسازی، متغیر تحصیلات به یک متغیر اسمی تبدیل شده است که در ۶ گروه، بی‌سواد، زیر دیپلم، دیپلم، فوق دیپلم، لیسانس و بالاتر از لیسانس طبقه‌بندی شده است. جدول زیر، توزیع فراوانی پاسخگویان را بر حسب تحصیلات آنها نشان می‌دهد. توزیع فراوانی تحصیلات پاسخگویان بدین صورت است که بی-سواد ۰/۳ درصد، زیر دیپلم ۱۲ درصد، دیپلم ۲۳/۵ درصد، فوق دیپلم ۱۴ درصد، لیسانس ۳۷/۵ درصد و فوق لیسانس و بالاتر ۱۰ درصد می-باشد. از این میان، بیشتر افراد مورد مطالعه دارای تحصیلات لیسانس می‌باشند و کمترین آنها بی‌سواد می‌باشند. .

یکی از فرضیه‌های تحقیق این بود که بین سلامت اجتماعی با فرهنگ زیست محیطی شهری زنان شهر خرم‌آباد رابطه معنی‌داری وجود دارد.

یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معنی‌داری (Sig) بدست آمده، کمتر از ۰/۰۵ است لذا بین سلامت اجتماعی و فرهنگ زیست محیطی همبستگی وجود دارد. این همبستگی از لحاظ آماری نیز معنی‌دار می‌باشد. بدین شکل که با افزایش سلامت اجتماعی، فرهنگ زیست محیطی شهری افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه اول این تحقیق تأیید می‌شود.

در فرضیه دوم، به بررسی رابطه بین اعتماد اجتماعی با فرهنگ زیست محیطی شهری زنان پرداخته شد.

جدول ۲. ضریب همبستگی پیرسون سلامت اجتماعی با فرهنگ زیست محیطی شهری

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	نتیجه
سلامت اجتماعی و فرهنگ زیست محیطی شهری	۰/۵۶۱**	۰/۰۰۰	تأیید

یافته‌های جدول ۳. نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معنی‌داری (Sig) بدست آمده، کمتر از ۰/۰۵ است، لذا بین اعتماد اجتماعی و فرهنگ زیست محیطی همبستگی وجود دارد و با توجه به عدد ضریب همبستگی (R) می‌توان بیان نمود همبستگی مثبت در حد متوسط

است. این همبستگی از لحاظ آماری نیز معنی‌دار می‌باشد. بدین شکل که با افزایش اعتماد اجتماعی، فرهنگ زیست محیطی شهری افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه دوم این تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۳. ضریب همبستگی پیرسون اعتماد اجتماعی با فرهنگ زیست محیطی شهری

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	نتیجه
اعتماد اجتماعی و فرهنگ زیست محیطی شهری	۰/۳۴۶ **	۰/۰۰۱	تأیید

در فرضیه سوم، به بررسی رابطه بین سبک زندگی سلامت محور با فرهنگ زیست محیطی شهری زنان پرداخته شد. یافته‌های جدول ۴. نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معنی‌داری (Sig) بدست آمده، کمتر از ۰/۰۵ است لذا بین سبک زندگی سلامت محور و فرهنگ زیست محیطی همبستگی وجود دارد و با توجه به عدد ضریب همبستگی (R) می‌توان بیان نمود همبستگی مثبت در حد نسبتاً بالا است. این همبستگی از لحاظ آماری نیز معنی‌دار می‌باشد. بدین شکل که با افزایش سبک زندگی سلامت محور، فرهنگ زیست محیطی شهری افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه سوم این تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۴. ضریب همبستگی پیرسون سبک زندگی سلامت محور و فرهنگ زیست محیطی شهری

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	نتیجه
سبک زندگی سلامت محور و فرهنگ زیست محیطی شهری	۰/۶۳۴ **	۰/۰۰۰	تأیید

فرضیه چهارم این بود که بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی با فرهنگ زیست محیطی شهری زنان رابطه معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های جدول ۵. نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معنی‌داری بدست آمده، کمتر از ۰/۰۵ است لذا بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فرهنگ‌پذیری زیست محیطی شهری همبستگی وجود دارد و با توجه به عدد ضریب همبستگی می‌توان بیان نمود همبستگی مثبت در حد بالا است. این همبستگی از لحاظ آماری نیز معنی‌دار می‌باشد. بدین شکل که با افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، فرهنگ زیست محیطی شهروندان افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه چهارم این تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۵. ضریب همبستگی پیرسون مسئولیت‌پذیری اجتماعی زیست محیطی با فرهنگ زیست محیطی شهری

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	نتیجه
مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فرهنگ زیست محیطی شهری	۰/۶۸۵ **	۰/۰۰۰	تأیید

در فرضیه پنجم، رابطه بین مصرف رسانه‌ای با فرهنگ زیست محیطی شهری زنان بررسی شد. یافته‌های جدول ۶. نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معنی‌داری بدست آمده، کمتر از ۰/۰۵ است لذا بین مصرف فرهنگی و فرهنگ زیست محیطی شهری همبستگی وجود دارد و با توجه به عدد ضریب همبستگی می‌توان بیان نمود همبستگی مثبت در حد متوسط است.

این همبستگی از لحاظ آماری نیز معنی‌دار می‌باشد. بدین شکل که با افزایش مصرف فرهنگی، فرهنگ زیست محیطی شهروندان افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه پنجم این تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۶. ضریب همبستگی پیرسون مصرف رسانه‌ای با فرهنگ زیست محیطی شهری

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	نتیجه
مصرف رسانه ای و فرهنگ زیست محیطی شهری	۰/۵۹۱**	۰/۰۰۰	تأیید

در فرضیه ششم، به بررسی رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی با فرهنگ زیست محیطی شهری زنان پرداخته شد. جدول ۷. نشان دهنده‌ی میزان همبستگی پایگاه اجتماعی و اقتصادی با فرهنگ زیست محیطی شهری افراد مورد مطالعه می‌باشد. یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معنی‌داری بدست آمده، بیشتر از ۰/۰۵ است لذا بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگ زیست محیطی همبستگی وجود ندارد. بنابراین، فرضیه ششم این تحقیق تأیید نمی‌شود.

جدول ۷. ضریب همبستگی پیرسون پایگاه اجتماعی-اقتصادی با فرهنگ زیست محیطی شهری

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	نتیجه
پایگاه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگ زیست محیطی شهری	۰/۲۸	۰/۱۲۶	رد

در فرضیه هفتم، رابطه بین مصرف رسانه‌ای با فرهنگ زیست محیطی شهری زنان بررسی شد. یافته‌های جدول فوق نشان می‌دهد که چون مقدار سطح معنی‌داری بدست آمده، کمتر از ۰/۰۵ است لذا بین مصرف رسانه‌ای و فرهنگ زیست محیطی شهری همبستگی وجود دارد و با توجه به عدد ضریب همبستگی می‌توان بیان نمود همبستگی مثبت در حد متوسط است. این همبستگی از لحاظ آماری نیز معنی‌دار می‌باشد. بدین شکل که با افزایش مصرف رسانه‌ای، فرهنگ زیست محیطی شهری افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه هفتم این تحقیق تأیید می‌شود.

جدول ۸. ضریب همبستگی پیرسون سرمایه اجتماعی با فرهنگ زیست محیطی شهری

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معنی داری	نتیجه
سرمایه اجتماعی و فرهنگ زیست محیطی شهری	۰/۵۷۸	۰/۰۰۰	تأیید

با کمک رگرسیون چند متغیره می‌توان رابطه خطی موجود بین مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل با یک متغیر وابسته را مطالعه کرد. لازم به ذکر است که از روش گام به گام برای ورود داده‌ها استفاده شده است. در این روش متغیرها یک به یک وارد مدل می‌شوند. بدین صورت که ابتدا متغیری که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد، دومین متغیر، متغیری است که پس از تفکیک متغیر مقدم بر آن موجب افزایش در مقدار ضریب تعیین می‌شود. به این شکل، متغیرهای بعدی تا در نهایت سطح خطا به ۵ درصد برسد یعنی معنی‌داری متغیر ۹۵ درصد گردد. سپس عملیات متوقف می‌شود (منصورفر، ۱۳۸۵: ۱۷۳).

همانطور که در جدول ۹. ملاحظه می‌شود، سلامت اجتماعی اولین متغیری بوده که وارد مدل شده است و بیشترین رابطه را با فرهنگ زیست محیطی شهری دارد. همچنین، متغیر مصرف فرهنگی به نسبت دیگر متغیرها پیش بینی کننده قوی‌تری است. ضریب بتا استاندارد شده نشان دهنده تأثیرات خالص متغیرها بر فرهنگ زیست محیطی شهری است. مقدار تی و سطح معنی داری آن نشان دهنده اهمیت نسبی حضور هر متغیر در مدل می‌باشد. براین اساس، متغیرهای که وارد مدل شده‌اند تأثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات فرهنگ زیست محیطی شهری دارند.

جدول ۹. ضرایب تاثیر مدل نهایی رگرسیون متغیرهای مستقل تبیین کننده فرهنگ زیست محیطی شهری

متغیرها	ضریب بتا (β)	مقدار آزمون T	سطح معنی داری	ضریب تولرانس
مقدار ثابت	-	۸/۶۵۸	۰/۰۰۰	-
سلامت اجتماعی	۰/۴۰۲	۵/۷۵۳	۰/۰۰۰	۰/۷۵۱
مصرف فرهنگی	۰/۳۷۴	۴/۷۸۱	۰/۰۰۰	۰/۸۰۳
مسئولیت پذیری اجتماعی	۰/۳۳۴	۵/۲۷۵	۰/۰۰۰	۰/۹۵۰
سبک زندگی سلامت محور	۰/۲۹۲	۶/۶۸۴	۰/۰۰۰	۰/۸۷۳
مصرف رسانه‌ای	۰/۲۲۷	۴/۲۴۷	۰/۰۰۰	۰/۸۲۶
اعتماد اجتماعی	۰/۱۶۴	۵/۴۷۸	۰/۰۰۰	۰/۷۵۶

همانطور که در جدول ۱۰. ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی مدل رگرسیونی گام به گام متغیرهای مورد بررسی برای تبیین فرهنگ زیست محیطی برابر با ۰/۴۶۱ است. نسبتی از واریانس متغیر فرهنگ زیست محیطی شهری که توسط متغیرهای تحقیق تبیین شده ۰/۴۱ درصد است. نسبت اف دلالت بر آن دارد که مدل رگرسیونی تحقیق مدل مناسبی برای تبیین متغیر وابسته است. به عبارت دیگر، متغیرهای تحقیق قادرند که تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. مقدار ثابت (عرض از مبدأ) نشان می‌دهد که اگر تاثیر متغیرهای مستقل را کنترل شود، مقدار پایه فرهنگ زیست محیطی شهری برابر با ۳/۲۸۶ است. لازم به ذکر است که مدل رگرسیون گام به گام فوق دارای ۶ مدل (گام) بود. نتایج جدول فوق مربوط به مدل (گام) آخر مدل رگرسیونی گام به گام است. جدول زیر، نشان دهنده ضرایب تاثیر مدل نهایی رگرسیون متغیرهای مستقل تبیین کننده فرهنگ زیست محیطی شهری است.

جدول ۱۰. مدل رگرسیونی گام به گام متغیرهای مستقل برای تبیین فرهنگ زیست محیطی

مدل	ضریب همبستگی (R)	ضریب تبیین (R Square)	مقدار آزمون F	سطح معنی داری آزمون F	مقدار ثابت
گام به گام	۰/۶۷۹	۰/۴۱۳	۱۷/۳۳۹	۰/۰۰۰	۳/۲۸۶

بحث و نتیجه گیری

امروزه به دلیل اهمیت روزافزون محیط زیست و فرهنگ زیست محیطی، پژوهش های محیط زیستی اهمیت ویژه ای یافته اند. در واقع فرهنگ زیست محیطی از مفاهیم نوینی است که امروزه در بررسی های زیست محیطی جوامع مدرن مطرح گردیده و طرح این مفهوم در بسیاری از رویکردهای زیست محیطی حاکی از اهمیت نقش آن در حفظ محیط زیست است. تأثیرات نامطلوب انسان بر محیط زیست سبب تخریب آن و جلب توجه به مسئله محیط زیست شد. در دهه های اخیر، ابعاد اجتماعی و فرهنگی تهدیدات زیست محیطی توجه اکثر محققان حوزه علوم انسانی و زیست محیطی را برانگیخته است. محققان حوزه محیط زیست معتقدند یکی از چالش های مهم اکثر کشورهای جهان، مواجه شدن با تهدیدات زیست محیطی است که نتیجه دستاوردهای فنی و علمی انسان برای بقا و تسلط بر طبیعت است. امروزه توجه به مسئله محیط زیست و تمرکز بر فرهنگ زیست محیطی شهروندان، کانون توجه پارادایم های اجتماعی و فرهنگی زیست محیطی است. فرهنگ زیست محیطی و رفتارهای زیست محیطی هم بر مسائل و تهدیدهای زیست محیط تأثیر می گذارند و هم خود از عوامل متعددی تأثیر می پذیرند. هدف پژوهش حاضر تحلیل جامعه شناختی تعیین کنندگان مؤثر بر فرهنگ زیست محیطی شهری زنان شهر خرم آباد می باشد. در این پژوهش، جهت جمع آوری اطلاعات از روش کمی، تکنیک پیمایش و ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری تحقیق شامل زنان ۱۵-۶۴ سال ساکن در مناطق شهر خرم آباد است که از این تعداد ۳۸۴ نفر با استفاده از فرمول کوکران به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. روش نمونه گیری پژوهش، از نوع خوشه ای چند مرحله ای است و پردازش و تحلیل داده ها در دو سطح توصیفی و استنباطی و با استفاده از نرم افزار اسپاس نسخه ۲۴ صورت گرفته است. یافته های پژوهش نشان می دهد بین سلامت اجتماعی و فرهنگ زیست محیطی شهری همبستگی وجود دارد. این همبستگی از لحاظ آماری نیز معنی دار می باشد. بدین شکل که با افزایش سلامت اجتماعی، فرهنگ زیست محیطی شهری افزایش می یابد. همچنین بین اعتماد اجتماعی و فرهنگ زیست محیطی شهری نیز همبستگی

وجود دارد، بدین شکل که با افزایش اعتماد اجتماعی، فرهنگ زیست محیطی شهری افزایش می‌یابد. در خصوص رابطه سبک زندگی سلامت محور و فرهنگ زیست محیطی شهری نیز نتایج پژوهش بیانگر همبستگی مثبت بین این دو منغیر است؛ این همبستگی از لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد، بدین شکل که با افزایش سبک زندگی سلامت محور، فرهنگ زیست محیطی شهری افزایش می‌یابد. علاوه بر آن نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فرهنگ‌پذیری زیست محیطی شهری همبستگی وجود دارد، بدین شکل که با افزایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی، فرهنگ زیست محیطی شهری، افزایش می‌یابد. در ارتباط با ارتباط سازه مصرف فرهنگی و فرهنگ زیست محیطی شهری نیز یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین مصرف فرهنگی و فرهنگ زیست محیطی شهری همبستگی وجود دارد و با افزایش مصرف فرهنگی، فرهنگ زیست محیطی شهری، افزایش می‌یابد، اما درخصوص رابطه بین پایگاه اجتماعی و اقتصادی با فرهنگ زیست محیطی شهری رابطه معناداری وجود ندارد و همانطوری که نتایج تحقیق نشان می‌دهد، با توجه به مقدار سطح معنی‌داری بدست آمده که بیشتر از ۰/۰۵ است، بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگ زیست محیطی شهری رابطه همبستگی وجود ندارد. بنابراین، فرضیه ششم این تحقیق تأیید نمی‌شود و در نهایت یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین مصرف رسانه‌ای و فرهنگ زیست محیطی شهری همبستگی وجود دارد، بدین صورت که با افزایش مصرف رسانه‌ای، فرهنگ زیست محیطی شهری افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه هفتم این تحقیق نیز تأیید می‌شود.

در خصوص نتایج رگرسیون چند متغیره نیز می‌توان گفت سلامت اجتماعی اولین متغیری هست که وارد مدل شده است و بیشترین رابطه را با فرهنگ زیست محیطی شهری دارد. همچنین، متغیر مصرف فرهنگی به نسبت دیگر متغیرها پیش بینی کننده قوی‌تری است. ضریب بتا استاندارد شده نشان دهنده تأثیرات خالص متغیرها بر فرهنگ زیست محیطی شهری است. مقدار تی و سطح معنی‌داری آن نیز نشان دهنده اهمیت نسبی حضور هر متغیر در مدل می‌باشد. براین اساس، متغیرهای که وارد مدل شده‌اند تأثیر آماری معنی‌داری در تبیین تغییرات فرهنگ زیست محیطی شهری دارند. همانطور که در جدول رگرسیون چندمتغیره ملاحظه می‌شود، ضریب همبستگی مدل رگرسیونی گام به گام متغیرهای مورد بررسی برای تبیین فرهنگ زیست محیطی شهری برابر با ۰/۴۱۳ است. در واقع نسبتی از واریانس متغیر فرهنگ زیست محیطی شهری که توسط متغیرهای تحقیق تبیین شده ۰/۴۱ درصد است. نسبت اف دلالت بر آن دارد که مدل رگرسیونی تحقیق مدل مناسبی برای تبیین متغیر وابسته است. به عبارت دیگر، متغیرهای تحقیق قادرند که تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. مقدار ثابت (عرض از مبدا) نشان می‌دهد که اگر تأثیر متغیرهای مستقل را کنترل شود، مقدار پایه فرهنگ زیست محیطی شهری برابر با ۳/۲۸۶ است.

نتیجه حاصل از بررسی محقق در خصوص تبیین تعیین‌کنندگان مؤثر بر فرهنگ زیست محیطی شهری با نتایج حاصل از تحقیق صالحی و همکاران (۱۳۹۱) در خصوص تأثیر آگاهی و نگرش بر رفتار زیست‌محیطی مطابقت دارد. صالحی و همکاران نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند نگرش زیست‌محور بیشترین تأثیر را بر رفتارهای زیست‌محیطی دارد و پیش‌بینی کننده قوی برای رفتار زیست‌محیطی هستند. همچنین نتایج حاصله تا حدودی با اثر نادم سورکی و همکاران (۱۴۰۱) در مورد تأثیر میزان آگاهی و نگرش بر عملکرد زیست‌محیطی شهروندان مازندرانی انطباق دارد و وجه اشتراک دو تحقیق در آن است که رابطه معنی‌داری میان متغیر نگرش زیست‌محیطی و متغیر رفتار زیست‌محیطی برقرار است، اما وجه تمایز در آن این است که در تحقیق نادم سورکی و همکاران، میزان همبستگی بسیار بالاتر است. همچنین با تحقیق احمدی و همکاران (۱۳۹۹) در خصوص رابطه نگرش و رفتار زیست‌محیطی شهروندان شیراز رابطه معناداری وجود دارد. نتایج این پژوهش با نتیجه تحقیق صالحی و امام‌قلی (۱۳۹۱) در خصوص تأثیر سرمایه اجتماعی بر رفتار زیست‌محیطی در استان کردستان نیز همسو می‌باشد. همچنین نتایج تحقیق در بخش سبک زندگی با نتیجه تحقیق دسترس و خواجه‌نوری (۱۳۹۸)، برادران (۱۳۹۳)، سلیمانی (۱۳۴) مطابقت دارد در کلیه این تحقیقات نیز، رابطه مثبت و معناداری میان نگرش و رفتار زیست‌محیطی شهروندان وجود دارد. با اتکا به نتایج پژوهش می‌توان گفت فرهنگ زیست محیطی شهری که منبع کنش اجتماعی است، در ارتباط با تعیین‌کنندگان اجتماعی و فرهنگی سلامت اجتماعی، مصرف فرهنگی، اعتماد اجتماعی، سبک زندگی سلامت محور، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و مصرف رسانه‌ای تعیین می‌یابد و از طرف دیگر، بیشتر مسائل زیست محیطی به‌صورت مستقیم یا غیر مستقیم پیامد فرهنگ زیست محیطی شهری هستند و به صورت کنش یا رفتارهای زیست محیطی نمود پیدا می‌کنند. بر این اساس سیاست‌گذاری‌های مبتنی بر درک ارتباط مهم و رهگشای فرهنگ زیست محیطی شهری و تعیین‌کنندگان اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر آن و از آن مهم‌تر هم‌افزایی این دو بسیار ضروریست. در واقع سیاست‌سازی‌های سازه محور اجتماعی و فرهنگی در راستای تقویت و توسعه فرهنگ زیست محیطی شهری می‌تواند بسیاری از مشکلات زیست محیطی را درمان و در مسیر توسعه و بهبودی قرار دهد و منجر به حفاظت از محیط زیست و پایداری سرزمینی برای نسل امروز و نسل‌های آینده شود. به طور خلاصه می‌توان گفت سازه‌های اجتماعی و فرهنگی مهم و اثرگذار سلامت اجتماعی، سبک زندگی سلامت محور، مصرف فرهنگی، اعتماد اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای بر کیفیت فرهنگ زیست محیطی شهری زنان به

عنوان نیمی از جامعه را دارند و برنامه ریزی و سیاست‌های اجتماع محور شهری با اتکا بر استراتژی‌ها و راهبردهای محیط زیستی با محوریت زنان می‌تواند بستر را برای کیفیت بخشی به فرهنگ محیط زیست شهری و ارتقاء فرهنگ محیط زیست بنیاد شهری فراهم نماید.

راهکارها

با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- ✓ برنامه ریزی و سیاستگذاری‌های رسانه ای جهت توسعه آگاهی، حساسیت و هنجارمندی بر بنیاد فرهنگ زیست محیط مدار شهری؛
- ✓ تقویت و ارتقاء فرهنگ مسئولیت پذیری اجتماعی به عنوان رکن اساسی و اثرگذار فرهنگ زیست محیط شهری در بین زنان؛
- ✓ برنامه سازی و سیاست سازی های جامعه بنیاد حول محور ارتباط سبک زندگی سلامت محور و فرهنگ زیست محیطی شهری در بین جامعه زنان؛
- ✓ ارتقاء و بهبود سلامت اجتماعی زنان در راستای توسعه فرهنگ زیست محیطی شهری؛
- ✓ سیاستگذاری و سیاست‌سازی‌های اجتماعی و فرهنگی حول محور اعتماد اجتماعی زنان در راستای مشارکت در ساختن جامعه و توسعه فرهنگ زیست محیط شهری؛
- ✓ مشارکت نهادهای مدنی و نهادهای مردمی در راستای توسعه فرهنگ زیست محیط شهری با استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی زنان؛
- ✓ سیاست‌سازی و سیاستگذاری‌های اجتماع محور با مشارکت و نقش‌آفرینی زنان در راستای توسعه فرهنگ شهری محیط زیست محور.

References

- Abedi Sarvestani, Ahmad (2011), *Autoecology; An Approach to Explaining Human Moral Interaction Moral Knowledge*, 2(2), 69-83. (In Persian).
- Albrecht, Gordon bultena, Holberc, E., & Nowak, P. (1982). *The new environmental paradigm Scale. Journal of Environmental Education*, 13: 39-43.
- Alexandra, N. (2015). *Livability and LEEN-ND: The challenges Successes of Sustainable Neighborhood Rating Systems*. Ph.D thesis in City and Regional Planning University of California, Berkeley.
- Agha Mohammadi, Ali. (2007) *Study of environmental behaviors of primary school teachers (case study: Mazandaran province)*, Master's thesis in Educational Planning, supervised by Dr. Ebrahim Salehi-Omran, University of Mazandaran. (In Persian).
- Ahmadian, Dariush and Haghighian, Mansour (2016) *Sociological analysis of the role of cultural factors on urban environmental behaviors studied (Citizens of Kermanshah)*, *Urban Sociological Studies (Urban Studies)*, 6(18), 51-75. (In Persian).
- Baker, Teresa L. (2007), *Theoretical Research Methods in Social Sciences*, translated by Houshang Naibi: Payam Noor University. (In Persian).
- Barry, J. (2007). *Environment and social theory* (2nd ed.). London and New York: Routledge.
- Barr, S. (2007). *Strategies for Sustainability: Citizens and Responsible Environmental Behaviour*. *Area*, 35(3), 227-240.
- Blunden, A. (2003), *On Social Capital*, <http://home.mira.net/andy/works/social-capital.html>. [6 dec 2003].
- Castells, Manuel (2005) *The Age of Information Economy, Society and Culture*, Translated by Hassan Chavushian, Tarh No Publications, Fourth Edition. (In Persian).
- Castells, Manuel (2005) *The Age of Information, Economy, Society and Culture*, translated by Hassan Chavushian, Tarh No Publications, fourth edition. (In Persian).
- Dovas, D. A. (1997) *Survey in Social Research*, translated by Houshang Naibi: Ni.

- Dunlap, R. E., & Van Liere, K. D. (1978). *The new environmental paradigm: A proposed measuring instrument and preliminary results*. Journal of Environmental Education, 9, 10-19.
- Dunlap, R. E., & Van Liere, K. D. (1978). *The new environmental paradigm: A proposed measuring instrument and preliminary results*. Journal of Environmental Education, 9, 10-19.
- Farahmand, Mahnaz; Shokoohi Far, Kaveh and Sayar Khalaj, Hamed (2014), *Study of social factors affecting environmental behaviors of citizens of Yazd city*, Journal of Urban Sociological Studies, 4(10), 142-109. (In Persian).
- Field, McNaughton (2008) *Trust, Risk and the Environment, Collection of Articles on Trust and Social Capital*, Translated by Mohammad Taghi Delforouzeh, First Edition. Tehran: Cultural and Social Studies Research Institute. (In Persian).
- Field, John. (2009) *Social Capital*, translated by Gholamreza Ghaffari and Hossein Ramezani, Tehran, Kavir Publications, second edition. (In Persian).
- Grafton, R. Quentin and Knowles, Stephen, (2003). *Social capital and national environmental performance*, Australian National University, Economics and Environment Network Working Paper, EEN0206, <http://een.anu.edu.au/>.
- Hajizadeh, Masoud; Sayar Khalaj, Hamed and Shokoohi Far, Kaveh (2014) *Study of cultural factors related to environmental behaviors*, Social and Cultural Development Studies, 3(3), 32-9. (In Persian).
- Haghighian, Mansour; Hashemian-Far, Seyed Ali (1401) *Sociological explanation of environmental behaviors of youth in Tehran*; Quarterly Journal of Social Sciences; 2(9).67-98. (In Persian). 10.22067/social.2022.76015.1162
- Healy, T. (2003). Social capital: Challenge for its Measurement at International Level Workshop: Social Capital and Economic Development.
- Hemmati, Zahra; Rezaei, Mahdieh and Shobeiri, Seyed Mohammad (2014), Qualitative Study of Determinants of Environmental Culture of Social Development, 18(4), 67-92. (In Persian). 22055/qjsd.2023.39325.2559
- Hines, G. M., Hungerford, H. R., & Toma, A. N. (1987) *Analysis and synthesis of research on responsible environmental behaviour: A meta-analysis*. Journal of Environmental Education.
- Hungerford, H and Volk, T. (1990), *Changing Learner Behaviour Through Environmental Education*, Journal Environment Education, 2, 42-47.
- Hughes, C. S. (2006). *Influence of environmental education on environmentally responsible behavior of undergraduate students in a traditional and nontraditional setting*.
- Irandoost, Kiyomars and Ketabollahi, Kasra (2012) *Urban Regeneration; Approaches and Experiences*, Kurdistan University Press. (In Persian).
- Jahangiri, Mansour. (2002). *The Constitution of the Islamic Republic of Iran*. 13th edition. Tehran: Doran Publishing. (In Persian).
- Kairser, F.G. Wolfing, S & Fuhrer, U. (1999) *Environmental attitude and ecological behavior*. Journal of Environmental Psychology. 19: 1-19.
- Movahed, Majid. Enayat, Halimeh and Pour Nemat, Arash. (2008). *Study of the relationship between social capital and women's political participation*, Journal of Human and Social Sciences. Special Social Research. 190-161. (In Persian).
- Mansourfar, Karim (2006). *Statistical Methods, eighth edition*. Tehran: University of Tehran Publications. (In Persian).
- Movahed, Majid. Enayat, Halimeh and Pournemat, Arash. (2008). *Studying the Relationship between Social Capital and Women's Political Participation*, Journal of Humanities and Social Sciences.
- Mohammadi Sarin Dizaj, Mehdi and Shahamat, Abolfazl (2014) *Evaluation of dilapidated urban fabric based on a regeneration plan to improve the quality of the urban environment: A case study of Tabriz city, Chokhorlar neighborhood*, Quarterly Journal of Urban Ecology Research, 15(1) 26-1. (In Persian). 10.30473/grup.2023.66540.275
- Moradi, Atefeh; Daneshvar, Maryam; Daneshpour, Seyed Abdolhadi and Bahmanpour, Bahman (2014), *Fitting an integrated model of peri-urban area development with emphasis on environmental balance*, Applied Research in Geographical Sciences 23(68).242-223. (In Persian). 10.52547/jgs.23.68.223
- Mousavi, Behjat and Taban, Mohsen (2014) *Ecological assessment of urban waterfront: A case study of the waterfront of the Zohreh River in the city of Hendijan*, Quarterly Journal of Urban Ecology

- Research, Volume 14, No. 2. (In Persian). [10.30473/grup.2023.44253.2277](#)
- Qarkhlonare, Mehdi and Habibi, Kiyomars (2000) *Industrialization of Kurdistan Province Relying on Geographical Capabilities*, Journal of the Faculty of Literature and Humanities, University of ehran, (In Persian).
- Sasan-Pour, Farzaneh and Hakimi, Medya (1402) *The effect of ecological foundations on the livability of urban areas: A case study of Tehran Region 1* Quarterly Journal of Urban Ecology Research, 14(1). 1-20. (In Persian). [10.30473/grup.2023.34731.1952](#)
- Sarukhani, Baqer (1385) *Research Methodology in Social Sciences*, Volume 1, Tehran: Publications of the Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Saberi-Far, Rostam (1403) *Investigating factors affecting the formation of environmental citizenship (case study, the category of non-separation of waste in the city of Mashhad)*, Urban Sociological Studies, 14(50). 1-24. (In Persian). [10.71547/urb.2024.1015750](#)
- Salehi, Sadegh, Pazukinejad, Zahra; 2014; *Analysis of social factors affecting students' environmental attitudes and performance*, Sociology Applied, 25(3). 71-88. (In Persian). [20.1001.1.20085745.1393.25.3.5.6](#)
- Salehi, Sadegh and Imamgholi, Loghman (2019), *Media, Culture and Environmental Behavior: A Case Study of Sanandaj City Citizens*, Sociology Culture and Art, 1(1), 48-71. (In Persian). Special Issue on Social Research. 161-190. (In Persian). [10.34785/J016.2019.129](#)
- Nadem Sorki, Mobina; Nejat-zadeh, Fatemeh and Gholami Borujeni, Fathullah (2014), *Survey of the level of environmental awareness, attitude and performance of citizens Mazandaran Province* Journal of Health and Environment, 15(4), 691-700. (In Persian). [20.1001.1.20082029.1401.15.4.6.1](#)